



## در شرایط کنونی خطر وقوع جنگ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان جدی است.

زرتشت علیزاده، کارشناس و تحلیلگر امور سیاسی جمهوری آذربایجان که اغلب پیش بینی هایش محقق شده است، هشدار داد در شرایط کنونی خطر وقوع جنگ مجدد میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان خیلی جدی است.

به گزارش آران نیوز: زرتشت علیزاده با انتشار مقاله ای در "میدان تی وی" نوشت: « اکنون خطر جنگ خیلی جدی است. نه تنها دولت، بلکه جامعه مان نیز برای جنگ آماده می شود. طبیعی است که منطبق با عادات و سنن ملی، این تدارک برای جنگ فاقد تفکر و اندیشه کردن و سنجش است. وقتی آمادگی جامعه مان برای جنگ بخاطر خاک را به ذهنم می آورم، بی اختیار سال های نخست دهه 1990 و الواتی گری های بی ارزشی که در آن زمان جامعه ما را دربر گرفته بود، و شعارها و فراخوان های احمقانه آن زمان و به اصطلاح فرماندهان بیسواد وسط میدان و فرمانده کل مایه خجالت ( ابوالفضل ائلچی بیگ) را به یاد می آورم. »

زرتشت علیزاده با اشاره به اوضاع و احوال و شعارهای اوایل دهه 1990 در باکو افزوده است: « شعارهای " ما می میریم &ndash; قره باغ را نمی دهیم" ، " هوا در باکو سرده &ndash; ارمنی شبیه مرغه" ، " ارمنی هستی &ndash; لایق مرگ هستی والسلام" ، " هر جا دیدی ارمنی &ndash; بزنی به سرش گلوله را" ، و فریادهای خلیل رضا، شاعری که فرزندش "تبریز" را در قره باغ از دست داده بود و فریاد می زد " ما ارمنه را با آب دهانمان بیرون خواهیم راند" و وعده ابوالفضل علی اف (ائلچی بیگ) مبنی بر اینکه " ارمنه طی سه ماه به زانو درخواهند آمد" ، در گوش هایم طنین می اندازد. »

این تحلیلگر آذربایجانی افزوده است: « آیا فکر می کنید که سطح (فکری) دولت و جامعه مان نسبت به آن دوره ارتقاء یافته است؟ آیا اکنون افراد باسوادتر و ماهرتری دولت آذربایجان را اداره می کنند؟ آیا سطح سواد اهالی کشورمان نسبت به آن دوره بهتر شده است؟ هیئات! ای کاش من اشتباه نکنم، اما فکر می کنم که سطح عمومی سواد اهالی کشور نسبت به همان دوره نیز بیش از پیش به باد رفته است. اکثریت مردم بجای کتاب، "چت" ( مطالب پیام رسان ها) می خوانند. خیلی مواقع نیز همین را هم نمی خوانند و بدون هیچ فکری فقط "می نویسند". اگر به دنیای مجازی سر بزیند، با نمونه های درخشان جهانی آذربایجانی های عزیز که انسان را به واهمه می اندازد، آشنا خواهید شد. اطمینان دارم که برخلاف ما، کارشناسان ارمنی که وضعیت روانی و فکری دشمنشان را مطالعه می کنند، با خواندن این تفصیل خیلی خوشحال می شوند و در پوست خود نمی گنجد. زیرا، خرد کردن چنین رقیب نادان و جاهلی که جلوتر از نوک بینی خود را نمی بیند، خیلی آسان است. »

زرتشت علیزاده افزوده است: « در آن زمان ( اوایل دهه 1990) نیز افراد باسواد وجود داشتند، اما جامعه مطابق با طبیعت خود، به دنبال الوات سیاسی و دلالت ملت حرکت می کرد. حرکت کرد و قره باغ و حریت را از دست داد.»

این تحلیلگر آذربایجانی افزوده است: « اکنون نیز خطر جنگ خیلی جدی است. روسیه با مهارت تمام هر دو طرف را به سمت درگیری سوق می دهد. به خرگوش می گوید فرار کن، به سگ نیز می گوید بگیرش! ولادیمیر پوتین به عنوان یک جودوکا ماهر، به عقب می رود و آذربایجان ناشی را به جلو می اندازد. در زمان لازم، روسیه به کناری خواهد رفت و با پشت پا زدن به آذربایجان، به زمینش خواهد زد. به این ترتیب، نقش "میانجی" روسیه تقویت خواهد شد. پس از غوغا نیز جای خرگوش و سگ مشخص تر خواهد شد. »

زرتشت علیزاده افزوده است: « من در مقابل، کسانی را می بینم که از پول های نفتی سرمست شده اند و سرشان از بلندی ساختمان هان و خودروهای گران شده و فراوانی تسلیحات خریداری شده گیج رفته و خیلی از خود راضی شده اند و درباره پیروزی آتی مان امر برایشان مشتبه شده است. آنها نیز به این نگرانی من با تحقیر نگاه می کنند. این ها را می بینم و جبهه چی های جاهل ( اعضای جبهه خلق در اوایل استقلال جمهوری آذربایجان) را که واقع گرایان را بخاطر وسعت جمعیت و کندذهنی حزب سالاران از دست داده بودند، به یاد می آورم. »

زرتشت علیزاده افزوده است: « من ایدا روحیه تسلیم طلبی را تشویق نمی کنم. برعکس، همانگونه که در هشتم اوت 1992 از بلایایی که در انتظار ما بودند، تصویری زرگرگونه و دقیق ارایه کردم، اکنون نیز سوق داده شدنمان به سمت جنگ را شکست و تله ای دیگر برای آذربایجان می دانم. من تلفات سنگین و استیصالی را که در انتظار ماست، پیشاپیش می بینم و حاضرم آن را ثابت کنم. از خوش بین هایی هم که بی پایه و اساس برعکس این پیش بینی مرا بیان می کنند، می پرسم: آیا در طول 30 سالی که این طیف حاکم، کشور را اداره کرده است، حتی یک نمونه موفقیت آذربایجان را می توانید نشان بدهید؟ خواهش می کنم کسب "استقلال" آذربایجان را که نتیجه سقوط اتحاد جماهیر شوروی بود و در نتیجه آن جمهوری آذربایجان نیز همانند سایر جمهوری ها به استقلال رسید، به عنوان موفقیت آذربایجان ارایه نکنید. من در مرکز حوادث بودم و می توانم درباره ماهیت واقعی آن حوادث، برای خوشبینان غافل دستکم سه ساعت سخنرانی کنم تا از خواب غفلت بیدار شوند. در این باره، در کنار صدها مقاله، کتابی در 650 صفحه نیز منتشر کرده ام. »

زرتشت علیزاده افزوده است: « خواهش می کنم شروع بهره برداری و فروش نفت خزر را توسط شرکت های انگلیسی و آمریکایی آن هم به بهای سه برابر، به عنوان داستان موفقیت آذربایجان جا نزنید. زیرا، در این کارها، طرف آذربایجانی فقط مشغول ایجاد شرایط مناسب و لازم برای بازیگران اصلی بوده و در این کارها افراد ما خدمات بزرگی ندارند. خواهش می کنم به باد داده شدن پول های مفت نفت و طرح های ساختمانی را که ده ها برابر گرانتر از قیمت واقعی تمام شده اند، و میلیارد ها دلار پول تار و مار و سرقت شده از جیب مردم برای کیف کردن اربابان خارجی و مفسدان داخلی در مسابقه های بین المللی را به عنوان موفقیت ملت قلمداد نکنید. ملت از خیلی وقت پیش، از خواب برخاسته و دیگر این قصه ها به خوردش نمی رود. خواهش می کنم که دستاورد حاکمیت در خرید و منکوب و بی حال کردن گروه هایی را که خود را حزب می نامند و جامعه مدنی تازه رسیده را به عنوان موفقیت قلمداد نکنید. این ها موفقیت نیست، بلکه شکست بزرگ دولت است و برای درک این، بجای مخلوق قرون وسطی بودن، باید انسان دنیای نو بود. »

زرتشت علیزاده افزوده است: « اطمینان دارم که اگر از ظرفیت صلح خود کامل استفاده نکنیم، افکار عمومی بین المللی که اکنون هم به نفع ما نیست، در جهتی مثبت تغییر نخواهد کرد. اطمینان دارم که اگر سازمان های حاکمیتی از خودراضی، مشورت های خادمان جامعه مدنی را که تا دیروز منکوبشان کرده اند و آنها را آدم هم تلقی نکرده اند، نشنوند، مخاطرات بزرگی در انتظار جمهوری آذربایجان است. ترکیه هم نخواهد توانست ما را نجات دهد. نجات وظیفه خود کسی است در حال غرق شدن است.»